



موانع و چالش‌های زنان روستایی در ایجاد کسب‌وکارهای کوچک مطالعه موردی: دهستان پایین‌رخ شهرستان تربت حیدریه

نصیه قنبری، کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی - دانشگاه فردوسی مشهد
خدیدجه بوزرجمهری*، دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی - دانشگاه فردوسی مشهد
طاهره صادقلو، استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی - دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

با وجودی که زنان نیمی از جامعه‌ی ما را تشکیل می‌دهند، اما سهم آن‌ها در فعالیت‌های اقتصادی کشور تنها ۱۶ درصد است. این امر بیانگر آن است که زنان در مسیر ایجاد اشتغال با تهدیدها و موانع زیادی مواجه می‌باشند. این موانع در سیستم اشتغال زنان به‌خصوص زنان روستایی که ۲۸ درصد از زنان کشور را شامل می‌شوند، اخلاص ایجاد می‌کند؛ لذا شناسایی این موانع به‌منظور رفع آن‌ها در برنامه‌های توسعه‌ی کارآفرینی کشور از اولویت بالایی برخوردار است. هدف از این مقاله، بررسی موانع و چالش‌های زنان روستایی در ایجاد کسب‌وکارهای کوچک است. روش انجام تحقیق، توصیفی - تحلیلی و جهت جمع‌آوری اطلاعات از تکنیک‌های کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شده است و جامعه‌ی آماری شامل ۳۳۴ نفر از زنان روستایی دهستان پایین‌رخ شهرستان تربت حیدریه است. نتایج حاصل تحقیقات میدانی با طیف لیکرت نشان می‌دهد که موانع نهادی (دولتی و غیردولتی) با میانگین ۳,۹۸، مهم‌ترین مانع ایجاد و توسعه‌ی کسب‌وکار زنان روستایی ارزیابی شده است. سایر موانع به ترتیب شامل: موانع اقتصادی با میانگین ۳,۸۶، موانع اجتماعی - فرهنگی با میانگین ۳,۵۸ و موانع فردی با میانگین ۳,۵۰ عنوان شده‌اند.

واژگان کلیدی: زنان روستایی، کسب‌وکارهای کوچک، موانع اشتغال، دهستان پایین‌رخ، شهرستان تربت حیدریه.



۱- مقدمه

فرصت‌های شغلی برای زنان از نظر توسعه اقتصادی نقطه‌ی مثبتی تلقی می‌شود؛ زیرا درآمد ناشی از اشتغال و دریافت دستمزد، استانداردهای زندگی فرد شاغل را افزایش می‌دهد. در این زمینه با توجه به ماهیت و مشخصه‌های جوامع روستایی، تجربیات توسعه‌ی روستایی در کشورهای مختلف جهان طی چند دهه‌ی گذشته نشان می‌دهد که مشکلات کمبود درآمد روستاییان (ضعف اقتصادی) و به دنبال آن عواقب و پیامدهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ناشی از آن را نمی‌توان تنها با انتقال دانش فنی و فناوری‌ها و نیز انتقال سرمایه‌های مادی به مناطق روستایی حل شده پنداشت، بلکه عنصر مهم‌تری که بایستی مورد توجه سیاست‌گذاران و کارشناسان روستایی قرار گیرد، تأکید بر توسعه‌ی کسب‌وکارهای کوچک روستایی و فراهم ساختن بسترهای ضروری برای رشد و توسعه‌ی آنهاست (فتوتی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۰). از مجموع زنان ایران، زنان روستایی سرپرست خانوار نخستین گروهی هستند که از کسب‌وکارهای کوچک استقبال کرده‌اند و از دیدگاه صاحب‌نظران توسعه‌ی روستایی، سامان‌دهی کسب‌وکارهای کوچک و زودبازده راهبردی برای توانمندسازی روستاییان به‌ویژه زنان فقیر روستایی است.

کسب‌وکار کوچک^۱ (SEs) بنا به تعریف کسب‌وکاری است که اغلب متعلق به بخش خصوصی است و تعداد کارمندان آن محدود و فروش تولیدات آن تقریباً اندک است. مفهوم کوچک در این تعریف متغیر و به نوع فعالیت یا کشور مورد بررسی بستگی دارد (طاهرخانی، ۱۳۸۰: ۳۰). این رقم کم‌تر از ۸ نفر در کشور چین (Mohapatre & et al, 2007:34) تا ۵۰۰ نفر شاغل در کشور آمریکا متغیر است (SBA, 2012:280). در آلمان، کسب‌وکارهای کم‌تر از ۱۵ نفر پرسنل، کوچک محسوب می‌شوند. در ایران نیز کسب‌وکارهایی که تعداد ۹ نفر یا کم‌تر نیروی انسانی دارند، کسب‌وکار کوچک تلقی می‌شود. البته در تعریف مشاغل کوچک، علاوه بر تعداد کارکنان شاخص‌های دیگری چون فروش سالانه‌ی گردش مالی، ارزش‌داری و سود خالص ترازنامه و به‌ویژه حجم سرمایه‌گذاری اهمیت بسیار دارد (کلانتری، ۱۳۷۸: ۴۷). بر اساس مطالعات انجام‌شده، این‌گونه کسب‌وکارها توانایی پاسخگویی سریع به تغییرات بازار و نیازهای مشتری را دارند (Jones and Macpherson, 2006)؛ و به‌آسانی می‌توانند خود را با شرایط جدید هماهنگ کنند. در واقع، آن‌ها رفتاری پویا در مواجهه شدن با شرایط متغیر محیطی را دارند (Sarosa, 2007)؛ زیرا این‌گونه مشاغل معمولاً تقاضامحورند و خود را با نیاز مخاطب هماهنگ می‌کنند؛ و قادرند روش‌ها و مکانیزم تولید، بازاریابی و فعالیت‌های خود را به‌سرعت تغییر دهند (Hung & et al, 2007). ارزیابی اقتصادی کسب‌وکارهای کوچک نشان می‌دهد این مشاغل توجیه اقتصادی قابل قبولی دارند. بر اساس برخی مطالعات، آن‌ها می‌توانند درآمد روستاییان را تا ۵۷ درصد افزایش دهند (Hagblade & et al, 2009). بر این اساس با توجه به این‌که زنان نقش مهمی در اقتصاد خانواده ایفا می‌کنند و امروزه روستاها محیط مناسبی برای رشد بخش‌های غیر کشاورزی و فعالیت شرکت‌های تولیدی و خدماتی شناخته شده است، این امر زمینه را برای حرکت از کسب‌وکارهای مبتنی بر منابع طبیعی به سمت کسب‌وکارهای مبتنی بر دانش زودبازده آماده نموده است. از دیدگاه صاحب‌نظران توسعه‌ی روستایی، سامان‌دهی کسب‌وکارهای کوچک و زودبازده راهبردی مناسب برای توانمندسازی روستاییان به‌ویژه زنان فقیر روستایی شناخته شده است. بدیهی است که در مسیر توسعه‌ی فعالیت‌های کارآفرینانه زنان روستایی، موانع و مشکلات متعددی وجود دارد که شناسایی و رفع آن‌ها منجر به تسهیل این امر خواهد شد؛ بنابراین مطالعه‌ی موانع کسب‌وکارهای زنان روستایی به شناسایی محدودیت‌های موجود، اصلاح مسیر آتی و درنهایت افزایش کارایی فردی و اجتماعی آنان کمک می‌کند (جوهری، ۱۳۸۴: ۲۰). تحقیقات و شواهد حاکی از آن است که زنان روستایی به هنگام ورود به جرگه‌ی کارآفرینان با موانع بسیاری مواجه هستند، چراکه نواحی روستایی در مواجهه با مبحث جنسیت،

^۱ Small Enterprise, s



گرایش سنتی تری دارد، مهارت‌های ارزیابی از خود و نیز مهارت‌های مدیریتی در میان زنان روستایی در قیاس با زنان شهری پایین تر و دسترسی به منابع سرمایه‌های غیربومی دشوارتر است. از این رو نبود تجزیه و تحلیل جنسیتی و آگاهی از مسائل می‌تواند منجر به اقدامات تبعیض آمیز و عدم موفقیت در پاسخ‌گویی به نیازهای زنان کارآفرین و موانع توانمندسازی زنان شود. کارآفرینی زنان در بسیاری از جوامع به‌طور گسترده پذیرفته شده نیست و زنان در شروع و توسعه‌ی یک کسب‌وکار پایدار، با موانع زیادی از جمله موانع نهادی و اقتصادی و اجتماعی و غیره مواجه هستند (زرنگار، ۱۳۸۱: ۱۰). این قاعده در رابطه با زنان روستایی دهستان پایین‌رخ شهرستان تربت حیدریه نیز بی‌تردید حاکم است و از این رو سعی شده است در این پژوهش موانع و مشکلات کسب‌وکارهای کوچک زنان روستایی این دهستان شناسایی و راه‌کارهایی پیشنهاد شود.

۲- پیشینه‌ی تحقیق

در رابطه با موانع و چالش‌های کسب‌وکارهای زنان مطالعاتی در ایران و دیگر کشورها صورت گرفته است که هر کدام از پژوهشگران به جنبه خاصی از مشکلات راه‌اندازی و ایجاد و توسعه‌ی کسب‌وکارهای کوچک توسط زنان از جمله اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اشاره کرده‌اند. در پژوهشی که توسط هیسریچ (۲۰۰۲) با عنوان مشاغل خانگی زنان، فرصت‌ها و تهدیدها انجام شد، موانع اصلی توسعه کسب‌وکارهای خانگی را عدم تخصص، نبود بازار، موانع اطلاعاتی، عدم تأمین مالی، موانع قانونی و عدم طرح کسب‌وکار مشخص نمود. نتایج مطالعات رودگرنژاد و کجوری (۱۳۸۹)، با عنوان چالش‌ها و موانع توسعه‌ی کسب‌وکارهای خانگی، از جمله مهم‌ترین راه‌کارهای توسعه‌ی این نوع کسب‌وکارها را به‌کارگیری سیاست‌های تشویقی و حمایتی از صنایع کوچک به‌ویژه تولیدات خانگی می‌داند. نتایج تحقیق آچاریا و بنت (۱۹۸۳) نشان داد که آوردن زنان در اقتصاد بازار کار بر نفوذشان در تخصیص منابع و تصمیم‌گیری در خانواده تأثیر مثبتی می‌گذارد. نتایج مطالعه‌ی لی (۱۹۹۵) نیز نشان داد که زنان شاغل در مشاغل روستایی بخشی از دستمزد خود را به خانواده‌ها منتقل می‌کنند. این مهم می‌تواند برای آن‌ها ایجاد غرور نموده و از این مشارکت مالی احساس لذت ببرند. بایناتیزابا و یومی‌ماتو (۲۰۱۰) معتقدند، ایجاد یک فرصت برای کسب‌وکارهای کوچک و خرد منجر به توانمندی اقتصادی زنان می‌شود (به نقل از یاسوری و همکاران، ۱۳۹۴: ۶). در ادامه برخی دیگر از این مطالعات در قالب جدول شماره‌ی ۱ آمده است.

جدول ۱- برخی دیگر از نتایج تحقیقات موانع و چالش‌های زنان روستایی در ایجاد کسب‌وکارهای کوچک

نویسنده و سال	عنوان	نتایج
همتی و همکاران (۱۳۹۱).	اشتغال خانگی و موانع کسب‌وکار زنان: مطالعه‌ای درباره‌ی زنان روستایی شهرستان کرمانشاه	نتایج به‌دست آمده، نشان داد که؛ از موانع فردی، "مخالفت همسر/ پدر یا اعضای خانواده"، از موانع مالی- اقتصادی "دسترسی ناکافی به منابع اولیه برای تولید"، از موانع فرهنگی- اجتماعی "عدم اعتماد جامعه به زنان در راه‌اندازی کسب‌وکار" و از موانع قانونی- نهادی "وجود دلالت و واسطه‌ها در بازار، بیش‌ترین اولویت را به خود اختصاص دادند.

2. Hisrich

3 - Acharya and Bennett

4 - Lee

8- Binitizaaba and Umemoto



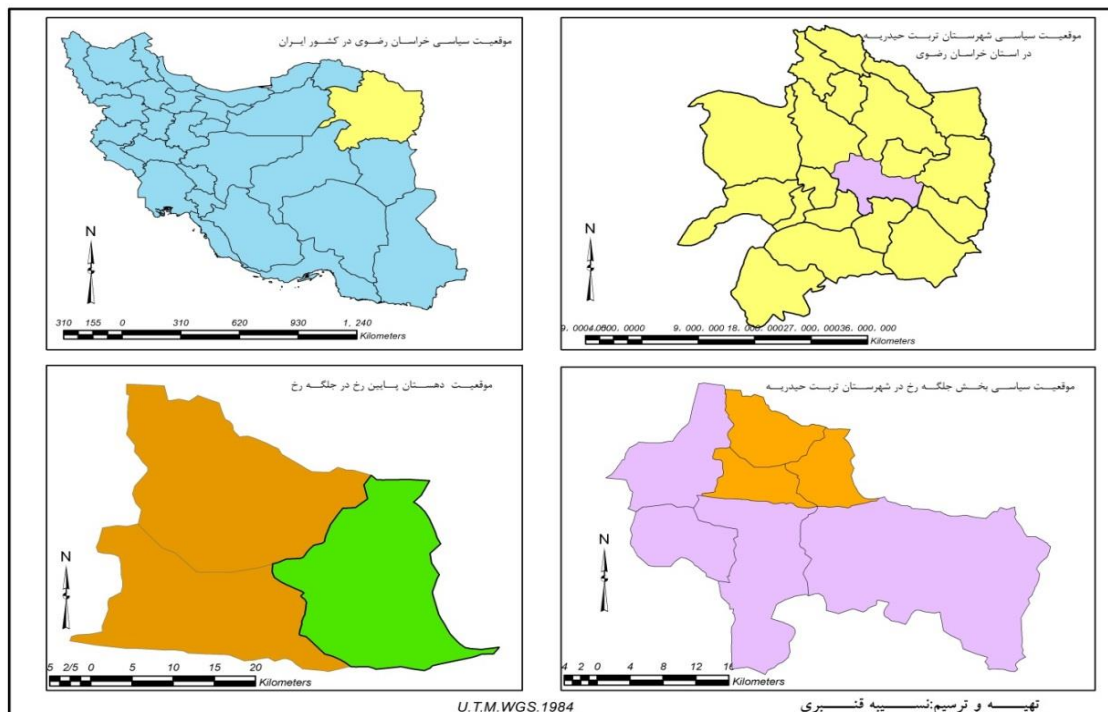
در این مقاله سعی شده موضوع مشاغل یا کسب و کار خانگی زنان مورد بررسی قرار گرفته و میزان انطباق مشاغل خانگی زنان بر شاخص‌های ده گانه فضای کسب و کار ارزیابی شود و اجرا و گسترش مشاغل خانگی امکان‌سنجی گردد.	تجزیه و تحلیل مشاغل خانگی زنان مبتنی بر فضای کسب و کارهای کوچک مطالعه‌ی موردی: استان اصفهان	اکبری و همکاران (۱۳۹۱)
تحقیق نشان داد: محدودیت‌های اقتصادی، شامل اختلاف سطح دستمزدها، مشکلات بازاریابی و محدود بودن دوره‌ی درآمدزایی، مهم‌ترین مانع پیش‌روی زنان روستایی در عرصه‌ی صنایع دستی است.	مسائل اجتماعی بنام اشتغال	سفیری (۱۳۸۳)
بر اساس نتایج، مهم‌ترین موانع گسترش صنایع دستی از دیدگاه زنان روستایی این شهرستان عدم توجه و حمایت‌های دولتی است. علاوه بر این، تحلیل عاملی موانع توسعه‌ی صنایع دستی به استخراج پنج مانع: اقتصادی؛ زیرساختی؛ اجتماعی- فرهنگی؛ کمبود آموزش و روان‌شناختی منجر شده است.	بررسی موانع اشتغال زنان روستایی در بخش صنایع دستی در شهرستان دیواندره	سواری و همکاران (۱۳۹۲)
بر اساس نتایج پژوهش مشخص شد که برخی از مهم‌ترین موانع شامل عدم وجود طرح کسب و کار مناسب، نبود تجربه و تخصص لازم در روستاییان، عدم دسترسی مناسب روستاییان به بازار، عدم دسترسی به اطلاعات و منابع اطلاعاتی، عدم تأمین اعتبار مالی جهت سرمایه‌گذاری کسب و کار خانگی و وجود موانع قانونی بودند.	بررسی کسب و کارهای خانگی کارآفرینانه و موانع و چالش‌های توسعه‌ی آن‌ها در مناطق روستایی	نجفی و صفا (۱۳۹۳)
یافته‌های حاصل از تحقیق نشان داد که موانع اقتصادی و آموزشی به ترتیب مهم‌ترین موانع در مسیر توسعه‌ی کارآفرینی این قشر از جامعه است.	اولویت‌بندی موانع توسعه‌ی کارآفرینی زنان روستایی شهرستان گرمسار	علی‌دوست و همکاران (۱۳۹۱)
مهم‌ترین موانع اشتغال زنان شامل موانع اجتماعی چون عدم توجه به آموزش و تفکیک شغلی، موانع اقتصادی چون نابرابری دستمزدهای بین زنان با مردان، بهره‌کشی و استثمار توانمندی‌های زنان در عرصه‌ی کار است.	بررسی ابعاد و موانع اجتماعی اشتغال زنان	شربتیان (۱۳۸۷)
در این تحقیق به نابرابری جنسیتی موجود در جامعه ایران که بیش‌تر جنبه‌ی اقتصادی و فرهنگی دارد، از قابلیت کارآفرینی زنان می‌کاهد. در این زمینه به نقش خانواده، نظام تعلیم و تربیت، باورهای کلیشه‌ای، ناهماهنگی انتظارات نقشی و مناسبات حاکم بر سازمان کار اشاره شده است	موانع کارآفرینی زنان: بررسی تأثیر نابرابری جنسیتی بر کارآفرینی زنان در ایران	جوهر و قضاتی (۱۳۸۳)
قالبی بافی بخش مهمی از اشتغال کشور به‌ویژه زنان را به خود اختصاص داده است بر اساس آمار منتشرشده از این نظر، ایران پس از چین و هند رتبه‌ی سوم جهانی را داراست.	بررسی وضعیت اشتغال زنان استان مازندران در بخش صنایع دستی (منطقه‌ی شاخص: شهرستان ساری)	رستمی (۱۳۸۳)
نتایج نشان داد که اکثر زنان روستایی در این مناطق بی‌سواده فاقد ابتکار عمل، نوآوری بودند این مطالعه‌ی نشان داد که کمبود اطلاعات و نگرش منفی زنان تأثیرات گسترده‌ای را بر روی نیلورتن زنان به اشتغال مربوط به صنایع دستی دارد.	بررسی مشارکت زنان روستایی در سه روستای آفریقای جنوبی	Kongolo et al (2002)



چنانچه از نتایج تحقیقات برمی آید، برای راه اندازی و توسعه‌ی کسب و کارهای کوچک زنان روستایی موانع و مشکلاتی وجود دارد ولی اولویت‌های آن‌ها در هر جامعه‌ای متفاوت است، به‌طور مثال مهم‌ترین مانع در نواحی روستایی شهرستان کرمانشاه، موانع فردی و خانوادگی (همتی و همکاران، ۱۳۹۱)، در نواحی روستایی شهرستان دیواندره، عدم توجه و حمایت‌های دولتی (سواری و همکاران ۱۳۹۲)، در نواحی روستایی شهرستان گرمسار، موانع اقتصادی و آموزشی (علی دوست و همکاران، ۱۳۹۱) به‌عنوان مهم‌ترین موانع کسب و کارهای زنان شناخته شده است. با بررسی پیشینه‌ی موضوع در منطقه‌ی مورد مطالعه، تحقیقی در این زمینه انجام نشده است؛ لذا سعی گردید مهم‌ترین موانع کسب و کارهای زنان روستایی دهستان پایین‌رخ شهرستان تربت حیدریه از دیدگاه خودشان شناسایی شده و راه‌کارهایی پیشنهاد شود.

۳- محدوده مورد مطالعه

شهرستان تربت حیدریه تقریباً در مرکز استان خراسان رضوی واقع شده است و از شمال به شهرستان‌های فریمان، مشهد و نیشابور، از شرق به شهرستان‌های تربت جام، تایباد و خواف، از جنوب به شهرستان گناباد و از غرب به شهرستان‌های کاشمر و نیشابور محدود می‌شود و وسعت تقریبی آن حدود ۱۳۵۹۳ کیلومترمربع است (رحیمی و همکاران، ۱۳۸۶: ۲). منطقه‌ی مورد مطالعه‌ی یعنی دهستان پایین‌رخ یکی از سه دهستان بخش جلگه‌رخ این شهرستان است که با وسعت ۳۷۹ کیلومترمربع، بزرگ‌ترین دهستان این بخش محسوب می‌شود؛ و در تراز ارتفاعی ۱۶۰۰ تا ۲۶۰۰ متری از سطح دریا، در شرق دشت رخ و شمال شرق شهرستان تربت حیدریه واقع شده است. در این دهستان ۱۷ روستای دارای سکنه وجود دارد که تمام شماری شده و جزو جامعه آماری بوده است و لذا نمونه‌گیری انجام نگرفته است. نقشه‌ی شماره‌ی ۱: موقعیت سیاسی دهستان پایین‌رخ رانشان می‌دهد.



شکل ۱- موقعیت سیاسی دهستان مورد مطالعه



۴- روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نوع کاربردی و روش تحقیق آن ترکیبی (پیمایش و توصیفی-تحلیلی) است. جامعه‌ی آماری پژوهش شامل کلیه‌ی زنان روستایی ۱۵ سال به بالای ساکن در ۱۷ روستای دهستان پایین‌رخ شهرستان تربت حیدریه است؛ که تعداد آن‌ها طبق آمار ۱۳۹۰ شامل ۳۰۲۸ نفر است که با فرمول کوکران، حجم نمونه ۳۳۴ نفر برآورد گردید و نسبت به حجم روستاها، تقسیم به سهم شدند که در جدول (۲) مشخص شده است. جهت انتخاب نمونه‌ها از هر دو روش تصادفی ساده و سامانمند و برای جمع‌آوری داده‌ها از مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی (پرسش‌نامه، مصاحبه و مشاهده) استفاده شده است. میزان ضریب اعتماد با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۱۷ محاسبه شد که نشان‌دهنده‌ی قابلیت اعتماد یا پایایی خوبی پرسش‌نامه‌ی محقق ساخته است.

جدول ۲- جمعیت، تعداد و حجم نمونه زنان روستایی دهستان پایین‌رخ

روستا	کل جمعیت	زنان روستایی جامعه‌ی آماری	حجم نمونه
احمدآبادخزائی	۱۰۳۹	۲۹۳	۲۴
اسدآباد	۷۶۶	۲۸۳	۲۰
اسدییه	۶۰۱	۱۶۶	۱۶
اسلام آبادخلج	۲۶۲	۶۴	۱۰
پوستین‌دوز	۱۱۹	۲۵	۱۰
رباط میان دشت	۶۸۵	۱۸۵	۱۹
زرکک	۵۸	۱۲	۱۰
سربالا	۱۹۱۶	۵۱۳	۴۸
شیله‌گشاد	۱۷۸	۳۸	۱۰
قشرباط	۳۶۹	۹۲	۱۳
قلعه‌نو	۲۵۶	۵۳	۱۰
کوهی	۱۷۶	۴۴	۱۰
محمودآباد	۳۰۸	۹۲	۱۰
مختاری	۱۲۰	۳۳	۱۰
مزرعه شرکت	۶۱	۱۳	۱۰
معدن	۱۰۳	۳۵	۱۰
نسر	۳۶۳۳	۱۰۸۷	۹۴
جمع	۱۰۶۵۰	۳۰۲۸	۳۳۴

(منبع: یافته‌ها و محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۴)



۵- یافته‌های تحقیق

۵-۱- یافته‌های توصیفی

• ویژگی‌های فردی

جامعه‌ی آماری تحقیق شامل زنان در سنین فعالیت ۱۴ تا ۶۵ ساله هستند که ۳۳۴ نفر به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شدند از این تعداد، بیش‌ترین آن‌ها با ۴۳،۵ درصد در گروه سنی ۲۵ تا ۳۴ سال و ۲۷،۲ درصد نیز در گروه سنی ۱۴ تا ۲۴ ساله هستند که جمعاً ۷۰ درصد حجم نمونه را تشکیل می‌دهند. کم‌ترین تعداد با ۷،۵ درصد نیز در گروه سنی ۴۵ تا ۶۵ ساله هستند. اکثریت پاسخ‌دهندگان، معادل ۷۳،۱ درصد متأهل و بقیه مجرد، بیوه و مطلقه‌اند. هم‌چنین ۶،۶ درصد آنان بر اثر فوت همسر و یا طلاق، سرپرستی خانوار را به عهده دارند؛ بنابراین ۹۳،۴ درصد آنان تحت سرپرستی مردان خانوارند. بیش‌ترین بعد خانوار (۵۶،۷ درصد) را خانوارهای ۳ تا ۴ نفره و کم‌ترین بعد (۹،۶ درصد) در خانوارهای ۷ نفره و بالاتر مشاهده شده است. از نظر سطح سواد، ۵،۷ درصد پاسخگویان بی‌سواد، ۲۶،۹ درصد ابتدایی، ۲۱،۹ درصد راهنمایی، ۲۹،۹ درصد دیپلم و ۱۵،۶ درصد بالاتر از دیپلمه بودند.

هم‌چنین مشخص شد که ۷۳،۴ درصد خانوار فقط یک فرد شاغل وجود دارد. از نظر وضعیت اشتغال چنان‌که در جدول ۳ آمده، بیش‌ترین فعالیت زنان موردبررسی با ۳۲،۶ درصد کشاورزی است که در مزارع خانوادگی و یا کارگر کشاورزی با دستمزد اشتغال دارند. فعالیت مهم بعدی صنایع دستی است با حدود ۲۶ درصد (۱۶،۲ درصد برای فروش و ۹،۹ درصد خودمصرفی). فرآوری محصولات دامی چه به‌صورت مصرفی و یا فروشی نیز ۱۱،۴ درصد زنان نمونه را به خود مشغول کرده است. از نظر میزان درآمد ماهانه، ۴۱،۶ درصد زنان؛ فاقد درآمد، ۳۵،۶ درصد کم‌تر از ۵۰۰ هزار تومان، ۱۷،۱ درصد ۵۰۰ تا یک میلیون و ۵،۷ درصد نیز یک تا دو میلیون تومان درآمد ماهانه داشتند.

جدول ۳- وضعیت شغلی زنان حجم نمونه

درصد	فراوانی	شغل زنان
۳۲،۶	۱۰۲	کشاورز خانوادگی و کارگری
۲۶،۱	۸۷	صنایع دستی (فروشی و مصرفی)
۱۹،۲	۶۴	خانه‌دار
۱۱،۴	۳۸	فرآوری محصولات دامی (فروشی و مصرفی)
۱۱،۱	۳۷	مشاغل آزاد آرایشگری و خیاطی و...
۱،۸	۶	کارمند
۱۰۰	۳۳۴	مجموع

(منبع: یافته‌ها و محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۴)

• مهارت‌ها و علل انگیزه‌های زنان روستایی به ایجاد کسب‌وکار

نتایج تحقیق نشان داد که حدود ۹۰ درصد زنان حجم نمونه به ایجاد کسب‌وکارهای کوچک علاقه دارند و از مهارت‌های نسبتاً بالایی نیز برخوردارند؛ به‌طوری‌که ۳۰،۲ درصد در زمینه‌ی ریسندگی و فرآوری محصولات دامی، ۲۲،۸ درصد در قالی‌بافی، ۲۸،۴ درصد در خیاطی و دوخت لباس و پرده و ۱۱،۴ درصد در گلدوزی و سوزن‌کاری مهارت‌هایی دارند؛ که اکثریت آنان یعنی ۶۶،۸ درصد به شکل تجربی این مهارت‌ها را کسب کرده‌اند و حدود ۲۲ درصد نیز به‌صورت رسمی از طریق سازمان فنی حرفه‌ای و یا غیررسمی از طریق افراد محلی و خانوادگی آموزش‌هایی را فراگرفته‌اند. ولی



۹,۶ درصد هیچ‌گونه آموزشی ندیده‌اند. همان‌گونه که در جدول (۴) آمده، مهم‌ترین علل و انگیزه‌ی زنان به ایجاد کسب‌وکار در درجه‌ی نخست کسب درآمد و ایجاد اشتغال و رفاه بیش‌تر خانوار با ۶۸,۹ درصد اظهارشده است و انگیزه دوم، پر کردن اوقات فراغت با ۱۸,۳ درصد و وجود مواد اولیه در دسترس و منزلت اجتماعی بالاتر سایر دلایل بوده است.

جدول ۴- انگیزه‌های زنان حجم نمونه در ایجاد کسب‌وکارهای کوچک

انگیزه‌ها	فراوانی	درصد فراوانی
ایجاد درآمد و اشتغال و رفاه بیش‌تر	۲۳۰	۶۸,۹
پر کردن اوقات فراغت	۶۱	۱۸,۳
وجود مواد اولیه در دسترس	۱۹	۵,۷
منزلت اجتماعی بالاتر	۱۳	۳,۹
سایر موارد	۱۱	۳,۳
مجموع	۳۳۴	۱۰۰

(منبع: یافته‌ها و محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۴)

• مهم‌ترین موانع کسب‌وکارهای زنان روستایی

با استفاده از نتایج تحقیقات میدانی و تکمیل پرسش‌نامه، موانع کسب‌وکارهای زنان روستایی شناسایی و اولویت‌بندی گردید و مشخص شد که مشغله خانه‌داری و کمبود وقت با میانگین ۳/۸۷، مهم‌ترین مانع فردی، عدم منابع مالی کافی با میانگین ۴/۲۰، مهم‌ترین مانع اقتصادی، وجود تبعیض‌های جنسیتی با میانگین ۳/۹۲، مهم‌ترین مانع اجتماعی- فرهنگی و طولانی بودن روند مجوز کسب‌وکار با میانگین ۴/۱۵، مهم‌ترین مانع نهادی (دولتی و غیردولتی) زنان روستایی منطقه است؛ اما در کل بر اساس نتایج جدول (۵)، موانع نهادی (دولتی و غیردولتی) با میانگین ۳,۹۸، مهم‌ترین مانع ایجاد کسب‌وکار زنان در دهستان پایین‌رخ اعلام شده است. سپس موانع اقتصادی با میانگین ۳,۸۶ و اجتماعی- فرهنگی با میانگین ۳,۵۸ و درنهایت موانع فردی با میانگین ۳,۵۰ در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

جدول ۵- اولویت‌بندی موانع ایجاد کسب‌وکارهای کوچک از نظر زنان روستایی

رتبه	میانگین	نوع موانع
۱	۳,۹۸	نهادی (دولتی و غیردولتی)
۲	۳,۸۶	اقتصادی
۳	۳,۵۸	اجتماعی- فرهنگی
۴	۳,۵۰	فردی و خانوادگی

(منبع: یافته‌ها و محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۴)

۵-۲- یافته‌های استنباطی

در این بخش از تحقیق با ضریب همبستگی اسپیرمن ارتباط معناداری موانع مختلف نهادی، اقتصادی، اجتماعی و فردی با ایجاد کسب‌وکارهای کوچک آزمون شده و نتایج آن به شرح زیر است:



• موانع نهادی (دولتی و غیردولتی)

چنان که در بخش توصیف آمد، عوامل نهادی (دولتی و غیردولتی) اولین مانع ایجاد کسب و کارهای کوچک توسط زنان روستایی منطقه‌ی ارزیابی شده است که با ضریب همبستگی اسپیرمن نیز تأیید و مشخص شد که موانعی چون: طولانی بودن روند مجوز کسب و کار ($r=0/613$ و $p=0/000$)، عدم حمایت در بازاریابی محصولات تولیدی ($r=0/237$ و $p=0/002$)، عدم حمایت در تأمین مواد اولیه ($r=-0/223$ و $p=0/003$)، عدم برگزاری دوره‌های آموزشی و مهارت افزایی ($r=0/465$ و $p=0/000$)، عدم تلاش در حذف دلالتان و واسطه‌ها ($r=0/167$ و $p=0/004$)، سازمان‌های و نهادهای مختلف دولتی و غیردولتی بوده است که توسط زنان روستایی عنوان شده و رابطه‌ی معنی‌دار به دست آمده است.

جدول ۶- همبستگی موانع نهادی (دولتی و غیردولتی) ایجاد کسب کارهای کوچک زنان روستایی

ضریب همبستگی و سطح معنی‌داری		متغیرها
P	R	
0,000	**0,613	طولانی بودن روند مجوز کسب و کار.
0,002	**0,237	عدم حمایت نهادی در بازاریابی محصولات تولیدی زنان
0,003	**0,223	عدم حمایت نهادی در تأمین مواد اولیه مورد نیاز
0,000	**0,465	عدم حمایت نهادی در برگزاری دوره‌های آموزشی و مهارت‌افزایی
0,004	*0,167	عدم تلاش نهادی در حذف دلالتان و واسطه‌ها

$p \leq 0/01$:** $p \leq 0/05$:*

• موانع اقتصادی

موانع اقتصادی دومین مانع ایجاد کسب و کارهای کوچک زنان روستایی منطقه‌ی عنوان شده است و مهم‌ترین مانع نیز عدم منابع مالی کافی با میانگین ۴,۲۰ ارزیابی گردید؛ که با ضریب همبستگی اسپیرمن ($r=274$ و $p=0/000$)، نیز این رابطه تأیید شد. سایر موانع شامل: عدم دسترسی کافی به مواد اولیه ($r=0/330$ و $p=0/000$)، عدم دسترسی به وام و ضامن ($r=-0/313$ و $p=0/000$)، نبود مکان و سرمایه‌ی کافی ($r=0/325$ و $p=0/000$)، نیز تأیید گردید. فقط رابطه نداشتن بازار مناسب برای فروش کالا ($r=0/139$ و $p=0/011$)، معنادار نشد که به این دلیل است که هنوز کالاهایی بدین منظور تولید نشده است.

جدول ۷- میانگین و همبستگی موانع اقتصادی ایجاد کسب کارهای کوچک زنان روستایی

ضریب همبستگی و سطح معنی‌داری		میانگین	گویه‌ها
P	R		
0,000	**0,274	۴/۲۰	عدم منابع مالی کافی
0,000	**0,330	۳/۹۵	عدم دسترسی کافی به مواد اولیه
0,000	**0,313	۳/۸۸	عدم دسترسی به وام و ضامن
0,000	**0,325	۳/۷۸	نبود مکان و سرمایه‌ی کافی
0,011	0,139	۳/۶۶	نداشتن بازار مناسب برای فروش کالا

$p \leq 0/01$:** $p \leq 0/05$:*



• موانع اجتماعی فرهنگی

سومین مانع بر سر راه ایجاد کسب و کارهای زنان، موانع اجتماعی عنوان شده است که با ضریب همبستگی اسپیرمن نیز تأیید گردید. طبق نتایج تحقیق، وجود تبعیض‌های جنسیتی با میانگین ۳٫۹۲ و ضریب همبستگی $r=0/517$ و $p=0/000$ ، مهم‌ترین مانع و بقیه شامل عدم حمایت جامعه به کار زنان ($r=0/243$ و $p=0/000$)، عدم مشارکت زنان در امور روستا ($r=-0/212$ و $p=0/000$)، وجود نظام سلطه مرد خانواده بر زن ($r=0/526$ و $p=0/000$)، امن نبودن محیط روستا ($r=0/185$ و $p=0/004$)، نیز در اولویت‌های بعدی تأیید گردید و رابطه‌ها طبق نتایج جدول (۸) معنی‌دار است.

جدول ۸- همبستگی موانع اجتماعی- فرهنگی ایجاد کسب کارهای کوچک زنان روستایی

ضریب همبستگی و سطح معنی‌داری		میانگین ارزیابی	گویه‌ها
P	R		
۰٫۰۰۰	**۰٫۵۱۷	۳/۹۲	وجود تبعیض‌های جنسیتی.
۰٫۰۰۰	**۰٫۲۴۳	۳/۶۸	عدم حمایت جامعه به کار زنان
۰٫۰۰۰	**۰٫۲۱۲	۳/۵۳	عدم مشارکت زنان در امور روستا
۰٫۰۰۰	**۰٫۲۶۵	۳/۵۲	سلطه‌ی مرد خانواده بر زن
۰٫۰۰۴	*۰٫۱۸۵	۳/۳۲	امن نبودن محیط روستا

$p \leq 0/01$; $p \leq 0/05$

• موانع فردی

چهارمین مانع بر سر راه ایجاد کسب و کارهای زنان، موانع فردی از سوی زنان روستایی عنوان شده است که مهم‌ترین آن مشغله‌های خانه‌داری، عدم سواد و تحصیلات و آموزش‌های کافی است. با آزمون همبستگی پیرسون مشاهده شد که با افزایش تحصیلات و سطح سواد، ایجاد علاقه به کسب و کار بیش‌تر می‌شود و رابطه‌ی معناداری وجود دارد؛ اما بین سن و علاقه به کسب و کار رابطه‌ی معناداری به دست نیامد؛ اما جالب توجه آن‌که زنان متأهل علاقه بیش‌تری به ایجاد کسب و کار دارند و مایلند برای رفاه خانواده تلاش بیش‌تری کنند. و باوجود مشغله‌های مختلف زندگی بازهم به ایجاد کسب و کار علاقه دارند چنان‌که جدول ۱۱ نشان می‌دهد با افزایش بعد خانوار، میزان این تمایل بیش‌تر می‌شود.

جدول ۹- آزمون همبستگی میزان تحصیلات زنان و ایجاد کسب و کار

	تحصیلات	ایجاد کسب و کار
تحصیلات	Pearson Correlation	.140**
	Sig. (1-tailed)	.005
	Covariance	1.786
	N	334
ایجاد کسب و کار	Pearson Correlation	.140**
	Sig. (1-tailed)	.005
	Covariance	.160
	N	334

** . Correlation is significant at the 0.01 level (1-tailed).



جدول ۱۰- آزمون همبستگی وضعیت تأهل و ایجاد کسب و کار

			تأهل	ایجاد کسب و کار
Spearman's rho	تأهل	Correlation Coefficient	1.000	.096*
		Sig. (1-tailed)	.	.040
		N	334	334
	ایجاد کسب و کار	Correlation Coefficient	.096*	1.000
		Sig. (1-tailed)	.040	.
		N	334	334

*. Correlation is significant at the 0.05 level (1-tailed).

جدول ۱۱- آزمون همبستگی بین تعداد افراد خانواده و ایجاد کسب و کار

			تعداد افراد	ایجاد کسب و کار
Spearman's rho	تعداد افراد	Correlation Coefficient	1.000	.085
		Sig. (1-tailed)	.	.030*
		N	334	334
	ایجاد کسب و کار	Correlation Coefficient	.085	1.000
		Sig. (1-tailed)	.030*	.
		N	334	334

*. Correlation is significant at the 0.05 level (2-tailed).

به منظور بررسی توانایی و انگیزه‌های زنان روستایی در ایجاد کسب و کارهای کوچک از آزمون t-test، انجام گرفت. بر اساس نتایج این آزمون که در جدول (۱۱) مشخص است، مقدار آماره t برای انگیزه‌ی زنان «علاقه‌مندی به ایجاد کسب و کار»، ۴,۷۶۳ و مقدار سطح معنی‌داری برابر با ۰.۰۰۰۰ حاصل و آزمون تأیید شد. دومین علت، «دسترسی به مواد اولیه در خانوار و در محیط روستا» عنوان شده که با سطح معنی‌داری برابر با ۰.۰۰۰۰ تأیید گردید. «درآمد بالای خانواده و نقش آن در ایجاد کسب و کار» با سطح معنی‌داری برابر با ۰.۰۰۰۰ و میانگین بالای ۳ (۳,۳۸) تأیید شد؛ اما در مورد «شرکت در دوره‌های آموزشی جهت ایجاد کسب و کار»، آزمون t-test نشان داد که چون مقدار سطح معنی‌داری برابر با ۰,۷۴۶ است و رابطه‌ی معنادار نشد. این امر به دلیل عدم برگزاری و محدود بودن دوره‌های آموزشی قابل توجیه است؛ زیرا روستاییان تصویری از تأثیر دوره‌های آموزشی مهارت افزایی ندارند.



جدول ۱۲- نتایج آزمون T-Test انگیزه‌های زنان در راه‌اندازی کسب‌وکارهای کوچک

گویه‌ها/ انگیزه‌ها	میانگین	آماره ی t	درجه‌ی آزادی	سطح معنی‌داری
علاقه‌مندی زنان به ایجاد کسب‌وکار	۲,۹۶	۴,۷۶۳	۲۷۲	۰,۰۰۰
دسترسی به مواد اولیه در خانوار و در محیط روستا	۲,۶۵	۵,۲۶۹	۲۷۲	۰,۰۰۰
درآمد بالای خانواده	۳,۳۸	۷,۰۹۲	۲۷۲	۰,۰۰۰
برگزاری دوره‌های آموزشی	۳,۰۲	۰,۳۲۴	۲۷۲	۰,۷۴۶

(منبع: یافته‌ها و محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۴)

۶- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتایج این تحقیق مشخص کرد که زنان روستایی دهستان پایین‌رخ شهرستان تربت حیدریه با وجود داشتن مهارت‌هایی چون کشاورزی و دامداری و صنایع دستی و غیره که اغلب از طریق تجربی کسب کردند و با وجود مشارکت در فعالیت‌های فوق، غالباً جزو شاغلین با درآمد محسوب نمی‌شوند؛ به طوری که حدود ۴۲ درصد آنان بدون درآمد و ۳۵,۶ درصد درآمدی زیر ۵۰۰ هزار تومان دارند. و با وجود مشغله‌های زیاد خانه‌داری و غیره علاقه و انگیزه‌های زیادی برای ایجاد کسب‌وکار دارند که مهم‌ترین آن‌ها ن بهبود وضعیت اقتصادی و رفاه خانوار و دسترسی به مواد اولیه اعلام شده است؛ اما در راه‌اندازی کسب‌وکارها موانع متعددی وجود دارد که به ترتیب شامل، موانع نهادی (دولتی و غیردولتی)، اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و فردی طبقه‌بندی و ارزیابی شد.

در مقوله‌ی نهادی (دولتی و غیردولتی) این موانع به ترتیب اعلام شدند: طولانی بودن روند اخذ مجوز کسب‌وکار، عدم حمایت در بازاریابی محصولات تولیدی زنان، عدم تلاش در تأمین مواد اولیه دور از دسترس، عدم توجه در برگزاری دوره‌های آموزشی و مهارت‌افزایی زنان و عدم تلاش در حذف دلالان و واسطه‌ها. در بعد اقتصادی، موانع عدم منابع مالی کافی، عدم دسترسی کافی به مواد اولیه، عدم دسترسی به وام و ضامن، نبود مکان و سرمایه‌ی کافی. در بعد موانع اجتماعی - فرهنگی، وجود تبعیض‌های جنسیتی، عدم اعتماد جامعه به کار زنان، عدم مشارکت زنان در امور روستا، سلطه‌ی مرد خانواده بر زن و امن نبودن محیط روستا مهم‌ترین موانع ارزیابی شد. موانع فردی و خانوادگی پایین‌ترین رده و مانعی بوده است که توسط زنان ارزیابی گردید؛ اما در هر حال مهم‌ترین آن‌ها شامل: مشغله‌ی خانه‌داری و کمبود وقت، مخالفت همسر، فرزندان و پدر و مادر (در مورد دختران مجرد)، کمی مهارت و سطح سواد پایین و دانش لازم، عدم اعتماد به نفس و عدم روحیه‌ی ریسک‌پذیری است. نتایج این تحقیقات با تحقیق همتی و همکاران (۱۳۹۱) که موانع کسب‌وکار زنان روستایی را در شهرستان کرمانشاه بررسی کرده‌اند و سواری و همکاران (۱۳۹۲) در شهرستان دیواندره، همسویی دارد. در انتها به منظور کاهش چالش‌های پیش روی زنان روستایی جهت راه‌اندازی کسب‌وکارهای کوچک پیشنهادها زیر در دو گروه ارائه شده است:

الف) پیشنهادها به زنان روستایی:

- شرکت در دوره‌ها و کلاس‌های برگزار شده جهت ایجاد مشاغل خانگی؛
- افزایش سطح سواد و تحصیلات حداقل تا سطح دیپلم
- انتقال تجربیات و مهارت‌های حرفه‌ای و بومی به فرزندان و نسل جوان و تلاش در حفظ و به‌روز کردن آن‌ها؛
- تشویق و حمایت فرزندان به کسب‌وکارهای کوچک و مشارکت فعال در مشاغل خانوادگی



ب) پیشنهادهای به سازمان‌های دولتی و غیردولتی

- تأمین منابع مالی و اعتباری با سهولت پرداخت (حداقل ضامن و وثیقه) از طرف دولت جهت ایجاد کسب‌وکارهای زنان
- تأمین مواد اولیه مورد نیاز ایجاد کسب‌وکارهای کوچک
- برگزاری بازارهای محلی و حذف واسطه‌ها و دلالتان جهت فروش کالاهای تولیدی زنان روستایی
- برگزاری دوره‌های آموزشی و مهارت‌افزایی توسط نهادهای دولتی و غیره دولتی
- معرفی نمونه کسب‌وکارهای موفق به زنان روستایی و تشویق آنان به راه‌اندازی کسب‌وکارهای مستقل؛
- تشکیل صندوق‌های حمایت از کسب‌وکارهای خانگی و سرمایه‌گذاری خطرپذیر در این زمینه؛
- توسعه‌ی انواع پوشش بیمه‌ای زنان دارای کسب‌وکار کوچک (حوادث، بازنشستگی، آتش‌سوزی و غیره)؛
- به‌کارگیری حمایت‌های رسانه‌ای در ارائه‌ی الگوهای مناسب و تشویق زنان به پرداختن به مشاغل خانگی.

۷- منابع

۱. اکبری، نعمت‌الله و همکاران (۱۳۹۱)، تجزیه و تحلیل مشاغل خانگی زنان مبتنی بر فضای کسب‌وکارهای کوچک مطالعه‌ی موردی: استان اصفهان، کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسی و کارهای دانش‌بنیان، دانشگاه مازندران.
۲. جواهری، فاطمه، قضاوتی، سحر (۱۳۸۴) موانع کارآفرینی زنان: بررسی تأثیر نابرابری جنسی بر کارآفرینی زنان در ایران، مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران، دوره ۵، شماره ۲، صص ۱۶۱-۱۷۸.
۳. رحیمی، حسین و همکاران. (۱۳۸۶)، جغرافیای شهرستان تربت‌حیدریه، نشر اقلیدس.
۴. رستمی، مصطفی (۱۳۸۳)، بررسی وضعیت اشتغال زنان استان مازندران در بخش صنایع دستی (منطقه‌ی شاخص: شهرستان ساری) پژوهش‌نامه علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران. سال ۴، شماره ۱.
۵. رودگر نژاد، ف. کیاکجوری، ک. (۱۳۸۹). چالش‌ها و موانع توسعه‌ی کسب‌وکارهای خانگی، اولین همایش ملی توسعه‌ی مشاغل خانگی چالش‌ها- راه‌کارها، تهران، ۱۴۳-۱۳۵.
۶. زرنگار، حمیدرضا (۱۳۸۱) کارآفرینی به منزله‌ی نیروی اقتصادی در توسعه‌ی روستایی، نشریه‌ی جهاد، سال ۲۲، شماره‌ی ۲۵۳.
۷. سفیری، خدیجه (۱۳۸۳) «مسائل اجتماعی بنام اشتغال زنان» مجموعه مقالات اولین همایش ملی طرح مسائل جامعه‌شناسی ایران، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
۸. سواری، مسلم و همکاران (۱۳۹۲)، بررسی موانع اشتغال زنان روستایی در بخش صنایع دستی در شهرستان دیواندره، مجله‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، شماره‌ی ۴، ۲۵۹-۲۷۹.
۹. شربتیان، محمدحسن (۱۳۹۲) بررسی ابعاد و موانع اجتماعی اشتغال زنان، پیک نور، سال هفتم، شماره‌ی سوم.
۱۰. طاهرخانی، مهدی. (۱۳۸۱). صنایع کوچک، سنگ بنای استراتژی آینده توسعه روستایی، فصلنامه‌ی تحقیقات جغرافیایی، شماره‌ی ۶۵، صص ۱۶۸-۱۵۱.
۱۱. علی دوست، سمیه، ف. لشگرار، ج. ف. حسینی (۱۳۹۱)، اولویت‌بندی موانع توسعه‌ی کارآفرینی زنان روستایی شهرستان گرمسار، کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب‌وکارهای دانش‌بنیان، مازندران.
۱۲. کلانتری، خلیل. (۱۳۷۸). تجربه‌ی کشورهای درحال توسعه در صنایع کوچک، ماهنامه‌ی جهاد، شماره‌ی ۱۸۸.
۱۳. نجفی، بهمن، لیلا صفا (۱۳۹۳). بررسی کسب‌وکارهای خانگی کارآفرینانه و موانع و چالش‌های توسعه‌ی آن‌ها در مناطق روستایی، نشریه‌ی کارآفرینی در کشاورزی، دوره ۱، شماره‌ی ۲، صص ۶۱-۷۳.



۱۴. همتی، هانا، عابدی سروستانبع احمد، عبداللهزاد، غلامحسین و محبوبی، محمدرضا (۱۳۹۱) اشتغال خانگی و موانع کسب و کار زنان: مطالعه‌ای درباره‌ی زنان روستایی شهرستان کرمانشاه، کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش‌بنیان، مازندران.

۱۵. یاسوری، م. قرشی، م؛ و وطنخواه، ژ. (۱۳۹۴). تحلیل موانع و راه کارهای توسعه‌ی کارآفرینی زنان روستایی: دهستان گوراب پس فومن، مجله‌ی توسعه‌ی محلی، (۶)، ۳۲۳-۳۴۲.

16. Acharya, M., Bennett, L. (1983). Women and the Subsistence Sector: Economic Participation and Household Decision-making in Nepal, Working, *Washington DC: World Bank*, 526.
17. Binitizaaba, Z., & Umemoto, K. (2010) Women's Empowerment Through the Development of Micro Entrepreneurship in Rural Bangladesh, *The Social Sciences* 5(1), 1-9.
18. Hisrich. R.D. & Brush, P.C. (1988). Women Entrepreneurs, Problems and opportunities, in: s. rose and L. larwood. *Womens careers, path ways and pitfalls*. Newyork praeger, 190-210.
19. Lee, C. K. (1995). Production politics and labour identities: Migrant workers in South China, *The Chinese University Press, Hong Kong*. pp. 15.1-15.28.
20. Hagg blade, S. & P. Hazell, & T. Reardon (2009). "Transforming the rural nonfarm economy: Opportunities and threats in the developing world," Issue briefs 58, International Food Policy Research Institute.
21. Long, Hualou & jian zou & Yan sui liu (۲۰۰۹), Differentiation of rural Development driven by industrialization and urbanization in eastern coastal china" journal homepage: www.elsevier.com/locate/habitatint, ۲۰۰۹.
22. Mohapatra, S & et al (2007). The Rise of Self-Employment in Rural China: Development or Distress, *World development*. Volume 35, issue 1, pages 163-181.
23. Sarosa, S. (2007). The information technology adoption process within Indonesian small and medium enterprises. University of Technology, Sydney.
24. SBA (2012). Small Business Administration (SBA) Size Standards Office <http://www.sba.gov/about-offices-content/1/2897>.